

تطور آموزه تئلیث انگاری در مسیحیت و شیوه مقابله روایات اسلامی با آن



ابوالفتح عزیزی^۱، کاظم قاضی زاده^۲، محمدعلی ایازی^۳، مهدی مهریزی^۴

چکیده

آموزه تئلیث و الوهیت حضرت عیسی (ع) از جمله اعتقادات چالش برانگیز مسیحیت است که مطابق اناجیل، مستندات متقنی برای پذیرش آن وجود نداشته است. از این رو، مسیحیان در طول تاریخ در این امر به تشکیک و آرا مبتلا شده و توانسته‌اند بنیان محکمی برای اثبات آن ارائه کنند. مسیحیان درباره کیفیت الهی یا جسمانی عیسی (ع) و مراتب اقانیم و ازلیت یا حادث بودن آنها اختلاف نظر داشته و هر طایفه، خود را بر حق و دیگری را باطل دانسته‌اند. **هدف:** هدف از نگارش این مقاله، بررسی تطور آموزه تئلیث در اناجیل و شیوه مقابله روایات اسلامی با این مسئله بود. **روش:** روش این مقاله، بررسی توصیفی-تحلیلی بود. **یافته‌ها:** اقانیم سه گانه بر پایه‌های متزلزلی استوار بوده و مطابق متن اناجیل اربعه نیز مردود بوده‌اند. **نتایج:** معصومین (ع) ساحت مسیح (ع) را از شرک میرا دانسته و در مواجهه با عقیده تئلیث، با رویکرد و سیره روایی، از شیوه‌های استدلال عقلی و برهانی، بر عبودیت مسیح (ع) و تبیین ماهیت روح القدس و اثبات توحید و نفی شریک برای خدا استفاده کرده و هر گونه این آموزه را به صراحت، کفر و کذب می‌دانستند.

واژگان کلیدی: تئلیث، اناجیل اربعه، روایات عیسوی.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث؛ دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران، ایران. abolfath7@gmail.com
۲. دکترای علوم قرآن و حدیث؛ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث؛ دانشگاه تربیت مدرس. تهران، ایران. (نویسنده مسئول). نشانی: قم؛ بلوار امین، بیست متری گلستان، کوچه ۱، پلاک ۱۵. شماره: ۲۵۳۲۹۳۱۴۴۷/ghazizadeh_kazem@yahoo.com
۳. دکترای علوم قرآن و حدیث؛ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث؛ دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران، ایران. ayazi1333@gmail.com
۴. دکترای علوم قرآن و حدیث؛ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث؛ دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران، ایران. toosi217@gmail.com

الف) مقدمه

انجیل کتاب آسمانی حضرت عیسی (ع) و مهم‌ترین بخش اعتقادی مسیحیان است که طی سالهای ۶۵ تا ۱۱۵ بعد از میلاد نگاشته شده است. این کتاب حاوی داستان زندگی و آموزه‌های حضرت عیسی (ع) است که توسط چهار نفر از حواریون او به نامهای «متی، مرقس، لوقا و یوحنا» به صورت مستقل به نگارش درآمده است (رابرتسون، ۱۳۷۸: ۲۷). اکثر مسیحیان در عین اختلاف گزارشهای اناجیل، آنها را پذیرفته و بدانها اعتقاد دارند (بوکای، ۱۳۹۳: ۱۴۹-۱۴۸). آموزه تثلیث و الوهیت عیسی (ع) چالش‌برانگیزترین اعتقاد مسیحی است که بر اساس آن، سه‌گانه‌انگاری الله در عین توحید، ترویج می‌شود. مسیحیان، حضرت عیسی (ع) و روح‌القدس را دو اقنوم الوهیت می‌دانند که با حضرت باری تعالی در ذات و مرتبه یکسان‌اند (هوردن، ۱۳۶۸: ۴۴؛ لین، ۱۳۸۰: ۳۸۸-۳۸۷). الاهی‌دانان بزرگ قرن بیستم معتقدند مسیح (ع) هرگز ادعای الوهیت نکرد، بلکه پولس برای اولین بار آموزه الوهیت مسیح و اعتقاد به دو طبیعت الهی و جسمانی عیسی (ع) را در مسیحیت ارائه (ایلخانی، ۱۳۷۴) و مسیح را به عنوان پسر خدا مطرح کرد (نجمه، ۱۹۶۲: ۱۸-۱۷؛ هارناک، ۱۸۵۱-۱۹۳۰). پولس معتقد بود خداوند از سر مهر، فرزند خود، مسیح را فرستاد تا با فدا شدن بر فراز صلیب، گناه و آلودگی آدمیان را پاک کند و انسان، با ایمان به مسیح، ضمن آشتی با خداوند، مقام فرزندی خدا را باز یابد (کتاب مقدس رومیان ۱، ۵: ۲۱-۶؛ ۲-۱۱، ۲۳-۲۰؛ ۸: ۱۴-۱۱، ۳۰-۲۹). اعتقاد به الوهیت عیسی (ع) توسط لوگوس یوحنا شکل فلسفی تری به خود گرفت (جنیبر، بی تا: ۸۰-۷۷). یوحنا به پیروی از پولس، لوگوس خالق را مطرح کرد و عیسی (ع) را کلمه خدا، ازلی، غیر مخلوق، سهم در آفرینش و خدای مجسم نامید و او را به سبب رستاخیزش، فرزند خدا و دارای ذات الهی دانست. مبانی کلامی پولس و لوگوس هر چند در قرنهای بعد با انتقادهایی از سوی مخالفان مسیحی و غیر مسیحی مواجه شد؛ ولی در سده سوم، منازعات کلامی تثلیث، به ویژه الوهیت مسیح (ع) به عنوان یک موضوع پذیرفته شده همگانی در آمد (ایلخانی، ۱۳۷۴: ۸۰-۷۹). مسیحیان، خاستگاه اعتقاد خود را اناجیل اربعه می‌دانند، اما این موضوع قابل دفاع نیست و نیاز به بحث و بررسی دارد.

پیشینه تحقیق

در زمینه آموزه تثلیث مسیحیان، پژوهشهای متعددی به نگارش درآمده است. بخش اعظمی از این نگاشته‌ها درباره مواجهه قرآن با تثلیث است؛ از جمله: کتاب «مواجهه قرآن با فرهنگ مسیحیت» (بویا، ۱۳۸۵) ضمن ارائه تاریخ و فرهنگ مسیحیت در شبه جزیره عربستان، برخورد قرآن با فرهنگ مسیحیت و از جمله تثلیث را برخوردی اصلاحی و نه بنیان کن می‌داند. کتاب «پسر خدا در قرآن و عهدین» (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۲) رابطه پدر و پسر خداوند و تثلیث را در عهدین و قرآن بررسی کرده و ریشه آن را از عهد قدیم می‌داند و این اعتقاد را مخالف آموزه‌های قرآن می‌داند. کتاب «تثلیث در قرآن و عهدین» (کاشانی، ۱۳۹۲) ضمن بررسی مفهوم تثلیث، نحوه مقابله شدید قرآن با آن را بیان می‌کند.

همچنین مؤلفان از زوایای مختلف در مقالات به تثلیث پرداخته‌اند؛ از جمله: «تثلیث» (اصغری، ۱۳۸۹) به بیان ماهیت تثلیث از دیدگاه مسیحیان پرداخته است. «نگاهی به تثلیث در آیین مسیحیت» (ظهوری فر، ۱۳۸۵) به دیدگاه فرقه‌ها و مذاهب مختلف مسیحیت درباره این آموزه پرداخته است. «واکاوی حقیقت روح در روایات اسلامی» (یارمحمدی، ۱۳۹۷) به بررسی اسناد اسلامی درباره مسئله روح القدس پرداخته است. «تثلیث مسیحی در نگاه عارفان مسلمان» (سلیمانی، ۱۳۹۰) نیز به دیدگاه عارفان اسلامی در خصوص آموزه تثلیث و رد آن پرداخته است.

گفتنی است قرآن کریم در آیات متعدد، هرگونه فرزند داشتن خدا و الوهیت عیسی (ع) را کفرآمیز دانسته و مسیحیان را از عقیده تثلیث بر حذر داشته است (مائده: ۱۷، ۷۲، ۷۵؛ نسا: ۱۷۱؛ توبه: ۳۱-۳۰؛ مریم: ۳۰؛ انبیا: ۲۶ و...). به همین دلیل، قرآن پژوهان و محققان از دیرباز، زوایای مختلف تثلیث را از دیدگاه قرآن، بررسی و پژوهشهای ارزشمند و متعددی را در این زمینه ارائه کرده‌اند؛ اما گسترده‌گی روایات عیسوی و پراکندگی آنها در منابع و کتب مختلف، مانع بررسی و تحلیل کامل عقیده تثلیث از منظر روایات اسلامی بوده است. از این رو، در این پژوهش سعی شده تا با جمع‌آوری تمام روایات عیسوی، به خصوص روایات مرتبط با الوهیت حضرت عیسی (ع) و تثلیث، رویکرد معصومین (ع) در مقابل این عقیده تحلیل و بررسی شود. گفتنی است روایت اسلامی درباره حضرت عیسی (ع) از فرهنگ قرآن متأثر بوده و از آنجا که معصومین (ع) مفسران قرآن و عالمان علوم الهی‌اند، نقش مهمی در تشریح آیات قرآن و تبیین آموزه‌های حضرت مسیح (ع) داشته‌اند. منابع روایی فریقین بیش از ۱۱۰۰ روایت عیسوی (ع) را برای مسلمانان به ارمغان گذاشته‌اند که سهم مهمی در تبیین معارف

۶۱۰ ♦ تطوّر آموزه تثلیث‌انگاری در مسیحیت و شیوه مقابله...

مسیحیت دارند. این نوشتار به بررسی توصیفی - تحلیلی پدیده تثلیث و سیر تطوّر آن در اناجیل اربعه پرداخته و مواضع روایات اسلامی را نسبت به وجود این عقیده در معارف عیسوی (ع)، تبیین و رویکرد و روش ائمه معصومین (ع) در مقابله با این عقیده را مشخص کرده است.

ب) مفهوم تثلیث در اناجیل

تثلیث در لغت، سه بخش کردن چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۷۵) و در الاهیات مسیحی، آموزه‌ای است که الوهیت خدای سه گانه پدر، پسر و روح القدس را بیان می‌کند؛ بدین معنا که ذات خداوند یگانه است، اما در سه اقنوم متمایز پدر، پسر و روح القدس ظهور دارد (میشل، ۱۳۸۱: ۷۶-۷۵). این نظریه در عین تأکید همزمان بر یگانگی ذات خدا و سه گانگی اقنوم‌ها، تناقض آمیز است. در کلام مسیحیت، تثلیث امری قدسی است که به دلیل محدودیت وجودی و ذهنی بشر، در فهم و ادراک نمی‌گنجد (همان: ۷۵-۷۲). آموزه تثلیث در اناجیل اربعه، بنیان مستحکمی ندارد. اناجیل، اولین و محکم‌ترین حکم خدا را از زبان مسیح (ع)، توحید و یگانگی او معرفی می‌کنند (مرقس ۱۲: ۳۳-۲۸، متی ۲۲: ۴۰-۳۲). آنها از آموزه تثلیث تهی بوده و خدای یکتا را خدای عیسی، ابراهیم، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) دانسته‌اند. اناجیل، خداوند را با صفاتی انحصاری همچون: یگانه، غایب از نظر، عالم آشکار و نهان، عادل، بخشنده، قادر بر همه چیز، مالک آسمان و زمین و روز جزا، آمرزنده گناهان و برآورنده حاجات یاد می‌کنند که شایسته هیچ مخلوقی نیست. (متی ۶: ۱۵-۱۴؛ ۱۱: ۲۶-۲۵، ۵۴-۵۳؛ مرقس ۱۱: ۲۵-۲۳؛ ۱۲: ۳۷؛ لوقا ۱: ۱۲؛ ۳-۲؛ ۱۲: ۵-۴؛ یوحنا ۱: ۱۸؛ ۵: ۴۴ و ۲۹؛ ۱۱: ۲۲-۲۱؛ ۱۷: ۳) اما مسیحیان آیاتی از اناجیل را همچون آیه «کسانی که در آسمان شاهدند سه نفرند: پدر و کلمه و روح القدس، و این سه نفر یکی هستند» (یوحنا ۵: ۷) و نیز آیه «پس رفته همه امتها را شاگرد سازید ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس عمید دهید» (متی ۲۸: ۱۹) دستمایه اثبات تثلیث و الوهیت شخصیت‌های آن قرار داده‌اند.^۱ حقیقت آن است که هیچ کدام از آیات مذکور به تثلیث اشاره ندارند. در این آیات، اعتقاد به پدر، پسر و روح القدس دلالت بر وجود یک نهاد و سه اقنوم متمایز دارد. آنها عیسی را پسر خدا

۱. همچنین ر.ک: متی ۳: ۱۷، ۱۴: ۳۳، ۱۶: ۱۶، ۲۴: ۴۲ و انجیل مرقس ۱۳: ۳ انجیل یوحنا ۱: ۱، ۸: ۵۸، ۱۶: ۳۰، ۲۰: ۲۸، ۵: ۲۰، ۱۴: ۲۶، ۱۶: ۳.

و دومین اقنوم تثلیث و روح القدس را سومین اقنوم تثلیث و هر سه را خدای واحد می‌دانند.

ناهماهنگی متن اناجیل، به ویژه انجیل یوحنا با دیگران در ابداع عقیده تثلیث توسط مسیحیت در سده‌های دوم بعد از میلاد غیر قابل انکار است؛ زیرا تنها انجیل یوحناست که الوهیت عیسی (ع) را تأیید کرده و صفاتی همچون: یگانگی با خدا (یوحنا ۱۰: ۳۳-۲۵)، تجلی او (یوحنا ۱۴: ۸-۹)، پرستیده شدن (یوحنا ۵: ۲۴-۲۳) و موجودیت ازلی (یوحنا ۸: ۵۸ و ۱۰: ۳۳-۲۵) را به مسیح اعطا کرده است. عیسی (ع) در انجیل یوحنا خود را واسطه خلق جهان می‌داند (یوحنا ۱: ۳-۱) و با عبارت من هستم (یوحنا ۸: ۵۸) قدرتی مانند خدا معرفی می‌کند. با این حال واژه تثلیث و مفهوم آن در انجیل یوحنا نیز وجود ندارد.

۱. تطوّر آموزه تثلیث در مسیحیت

در اوایل بعثت حضرت مسیح (ع)، او را صرفاً پیامبری می‌دانستند که بشارت ظهورش را حضرت موسی (ع) داده بود. ابیونی‌ها به عنوان یهودیان به مسیحیت گرویده و مسیحیان اولیه، عیسی (ع) را صرفاً انسان و پیامبر منجی قوم موسی (ع) می‌دانستند. گزارشهای نیمه تاریخی اولیه تصریح می‌کنند که عیسی (ع) خدا و خدازاده نیست، بلکه برای هدایت مردم آمده است. (اعمال رسولان، باب ۲: ۲۲ و ۳۶-۳۷؛ پویا، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۳۲)

مسیحیت زمانی ظهور کرد که ادیان چندخدایی در میان مردمان بابل، یونان، مصر، ایران و برهمنیان رواج داشت و شرایط تأثیرگذاری بر عقاید مسیحیان کاملاً مهیا بود (حسن مجتبی، ۱۳۹۳: ۵). ساختار چندخدایی یونان باستان و ثنویت و عرفان آن عصر، نقش بسزایی در سامان تثلیث مسیحی داشت (اسدی، ۱۳۸۹: ۳۷). امتزاج عقیده یهودی با فلسفه یونانی، راه تثلیث‌انگاری و اتحاد اقانیم‌ثلاثة را در مسیحیت هموار کرد.

از نظر تاریخی، پولس سنگ بنای الوهیت عیسی (ع) را به عنوان پسر خدا در نوشته‌های خود گذاشت. او مبدع و معمار تثلیث در مسیحیت کنونی به شمار می‌رود. پولس، یهودی مسیحیت‌ستیزی بود که در یک تغییر رویه ناگهانی در حدود سال ۳۶-۳۱ پس از میلاد، مسیحی شد و تثلیث را با آمیزه‌ای از اعتقادات وثنی آن زمان پایه‌گذاری کرد. پولس برای یونانی‌زبانان در چارچوب فلسفه‌های یونانی مآب رسالت عیسی (ع) اعمال و آموزه‌های او را تبلیغ کرد (اسدی، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۷). عقاید او منجر به اختلافات فرقه‌ای در سده‌های دوم و سوم میلادی شد (گوستاو لوبون، ۱۳۸۰: ۶۸۹). پولس برای اولین بار مسیح را خالق و با خدا دارای یک ماهیت معرفی کرد.

۶۱۲ ♦ تطوّر آموزه تثلیث‌انگاری در مسیحیت و شیوه مقابله...

پس از آن الوهیت عیسی (ع) به متن انجیل راه یافت. یوحنا، نویسنده انجیل چهارم، از افکار پولس خوشه‌چینی کرد و زمینه تثلیث‌باوری را در انجیل خود مهیا کرد. یوحنا، عیسی (ع) را لوگوس خالق نامید و او را با عناوین کلمه خدا، خدای مجسم، غیر مخلوق، ازلی، سهیم در آفرینش و به دلیل رستاخیزش، فرزند خدا و دارای ذات الهی معرفی کرد. به تدریج تفاسیر مسیحی، اعمال رسولان و نامه‌ها از وی تأثیر پذیرفتند و منازعات کلامی تثلیث و الوهیت مسیح (ع) در قرن سوم همگانی شد (اسدی، ۱۳۸۹: ۳۹-۳۸). بنابر این، دو نظام الهیاتی متفاوت نسبت به شخصیت عیسی (ع) در عهد جدید شکل گرفت. الوهیت عیسی (ع) توسط رساله‌های پولس، انجیل و نامه‌های یوحنا تبلیغ شد و دیگر بخشهای انجیل، بنده بودن و پیامبری عیسی (ع) را ترویج کردند. (بی.ناس، ۱۳۷۲: ۶۱۳)

سپس برای اولین بار وجود سه خدا در آپولوگی یوستین شهید در حدود سال ۱۵۰ م. مطرح شد. او اعلام کرد که مسیح در مرتبه دوم نسبت به خدا و روح القدس در مقام سوم قرار دارد و قابل پرستش هم نیستند (بویا، ۱۳۸۵: ۱۳۴). همچنین در قرن دوم، دو فرقه نزدیک به هم گنوسی و مارکیونی ظاهر شدند. گنوسی‌ها منکر جسمانیت واقعی مسیح شدند. به باور آنها، مسیح به دلیل وجود پاکش، انسان و ماده نبود و نمی‌توانست از یک زن متولد شده باشد (همان: ۵۵)؛ اما این اعتقاد، مخالفت کلیسا را برانگیخت.

نیمه قرن دوم تا نیمه قرن سوم میلادی، تمرکز بر نظریه لوگوس خالق فیلیون بود. مبدع این اعتقاد، یوستینوس (۱۶۳ م) بود. طبق اعتقاد او، خدای خالق، فرزندش عیسی (ع) را که همان لوگوس یا کلمه است، برای انسانها فرستاد تا از این طریق او را بشناساند. عیسی (ع) در مفهوم با خدا یکی و در ذات و عدد متفاوت بود. (ایلخانی، ۱۳۷۴: ۴۱-۳۹)

سابلیوس در سده سوم، روح القدس را نیز وارد این نظریه کرد. او ظهور خدا را به سه صورت متوالی تعریف کرد. ابتدا خداوند خالق و شارع، پدر بود. سپس به صورت پسر در شمایل عیسی (ع) از مریم متولد شد و به دار آویخته شد. در مرحله سوم به عنوان روح القدس، مؤمنان را تطهیر و به آنان حیات می‌بخشد. در این سده، نخستین بار ترتولیانوس از واژه تثلیث استفاده و اعلام کرد خدا سه شخص با جوهری واحد است. پسر، کلمه خداست و روح القدس روح اوست. (مک‌گراث، ۱۳۸۵: ۳۲۱)

مهم‌ترین اتفاق درباره تثلیث، در قرن چهارم؛ یعنی سال ۳۱۸ میلادی به وقوع پیوست؛ هنگامی که کشیشی به نام آریوس، ازلی بودن و جوهر الهی داشتن پسر را نفی و انسان بودن مسیح را دوباره مطرح کرد. این دیدگاه موجب شعله‌ور شدن آتش اختلاف در کلیسا شد.

بنابر این، الکساندر، اسقف اسکندریه، دستور داد تا در شهر نیقیه شورایی متشکل از ۳۱۸ اسقف برای حل اختلاف تشکیل شود. آتاناسیوس (۳۲۳-۳۷۳ م.) مخالف سرسخت آریوس، بر هم ذات بودن پسر و روح القدس با پدر اصرار داشت. شورا با حمایت الکساندر، به سود آتاناسیوس رأی داد و «اعتقادنامه نیقیه» به عنوان سند رسمی تثلیث تصویب شد. کلیسا عقیده تثلیث را بیشتر مدیون آتاناسیوس شد (رسولزاده و باغبانی، ۱۳۹۱: ۳۵۷-۳۵۴ و ۵۰۱). در بخشی از این اعتقادنامه آمده است: «ما ایمان داریم به خدای واحد، پدر قادر مطلق و خالق همه چیزهای مری و نامری، و به خداوند واحد، عیسی مسیح پسر خدا، مولود از پدر، یگانه مولود که از ذات پدر است و... به روح القدس و... لعنت باد بر کسانی که می گویند زمانی بود که او وجود نداشت... و وی از ذات یا جنس دیگری است» (همان: ۳۵۵). بنابر این، با رأی کلیسا و صدور چنین اعتقادنامه‌ای، تثلیث به عنوان عقیده‌ای مصوب که از حمایت امپراتوری نیز برخوردار بود، تثبیت شد و به تدریج عموم مسیحیت این اعتقاد را پذیرفتند.

در سده بعد، مسئله طبیعت الهی و بشری عیسی (ع) موضوع بحث فرقه‌های ناصریه و ملکائیان شد. در این دوره، شورای کالسدون (۴۵۱ م) با تصویب اعتقادنامه‌ای، عیسی (ع) را انسانی کامل و در عین حال، خدای حقیقی اعلام کرد. مطابق نظر این شورا، عیسی (ع) واجد یک شخصیت و دو طبیعت بود. هر چند کلیسای روم و قسطنطنیه این نظر را پذیرفتند، اما پیش‌تر کلیسای اسکندری آن را رد کرد (رسولزاده و باغبانی، ۱۳۹۱: ۳۵۹). از سال ۴۳۰ تا ۴۶۱، مناقشات در اطراف شخصیت مسیح به عنوان اقنوم واحد در کمال دو طبیعت الهی و بشری بود (پویا، ۱۳۸۵: ۴۹-۴۸). در قرن ششم، یعقوبیه یا منوفیزیت‌های یک طبیعتی در قسطنطنیه ظهور کردند که به طبیعت الهی مسیح معتقد شدند. (آذرنوش، ۱۳۵۴: ۱۹۱-۱۶۱)

گفتنی است پس از شورای نیقیه در سال ۳۲۵ میلادی، به تدریج نظریه تثلیث در بین مسیحیان تثبیت و به عنوان یک اصل اعتقادی پذیرفته شد و هر چند پذیرش تناقضات آن برای بسیاری از نوایمانان در دوره‌های متعدد کاری دشوار می نمود، اما تسلیم در برابر آن از اسرار و از لوازم ایمان بود. با این حال، همواره در سده‌های مختلف، شخصیت‌های علمی، فرهنگی و هنری مهم و متعددی در عقیده تثلیث تشکیک کردند و به مخالفت با آن پرداختند؛ اما با حکم رهبران کلیسا متهم به تکفیر شده و سوزانده شدند. (نک: رسولزاده و باغبانی،

۲. پسر خدا در اناجیل

اناجیل اربعه رویکرد یکسانی درباره پسر خدا ندارند. عیسی (ع) در اناجیل، ۲۹ مرتبه «پسر خدا» معرفی شده است. در اناجیل هم‌نوا، پسر بودن عیسی (ع) به معنای خلقت بی‌واسطه از خدا و «کثرت محبت» یا «کمال اطاعت» است. اما یوحنا بر «عیسی‌خدایی» تأکید دارد. در یوحنا، عیسی (ع) «پسری یگانه» است که شخصیتی فرانسائی، منحصر به فرد، هم‌ذات و هم‌جوهر با خدا دارد (میثیل، ۱۳۸۱: ۷۴). فقراتی مانند «من و پدرم یک هستیم» (یوحنا ۱۰: ۳۱) یا «یقین کنید پدر در من است و من در پدر» (یوحنا ۱۰: ۳۹، ۱۴، ۱۰، ۱۹؛ یوحنا ۱: ۱۴، ۱۸؛ یوحنا ۳: ۱۶، ۱۸؛ یوحنا ۱۰: ۳۱، ۳۹؛ یوحنا ۱۴: ۱۰، ۱۹)؛ معنای عیسی‌خدایی را می‌رسانند. اختلاف نگرش انجیل‌نگاران درباره پسر خدا، زمینه را برای تفسیرها و برداشتهای متفاوت فراهم کرده است. برخی مسیحیان با استناد فقراتی از انجیل یوحنا، بر الوهیت عیسی (ع) و تثلیث اصرار دارند. این گروه برای اثبات هم‌زمان طبیعت بشری و الهی عیسی (ع) دچار مشکل بوده‌اند. گروهی از مسیحیان، عیسی (ع) را پسر خدا خوانده و او را با خدا هم‌ذات می‌دانند. ارتدکس‌ها، لاهوت و ناسوت پسر را بدون هیچ امتزاج و تغییری متحد می‌دانند؛ اما کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها، پسر و پدر را دو طبیعت متمایز می‌دانند. (سامی شحاته، ۱۳۹۴: ۴۵)

در کنار واژه پسر خدا، اناجیل بیش از ۸۰ مرتبه تعبیر «پسر انسان» را به کار برده‌اند. حضرت مسیح (ع) عموماً این واژه را برای خود استفاده می‌کرده است. «پسر انسان» در عبری به معنای ابن‌آدام و در آرامی به معنای بارناش بوده و در اصل، فردی انسانی و قابل اطلاق بر همه آدمیان است (موحدیان عطار و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۳). بنابر این، پسر انسان، ناسازگار با الوهیت عیسی (ع) است. علاوه بر این، عیسی (ع) ۳۷ مرتبه در انجیل تصریح می‌کند که فرستاده و نماینده خداست. (متی ۱۱: ۲۷، ۲۶؛ لوقا ۴: ۱۹-۱۸؛ یوحنا ۵: ۴۷-۴۶؛ ۶: ۴۰-۳۸؛ ۱۲: ۴۵-۴۴؛ ۱۳: ۱۴؛ ۳)

۳. روح القدس در اناجیل

اناجیل اربعه ۳۰ مرتبه واژه روح القدس را به کار برده‌اند. مطابق اناجیل، روح القدس کارکردهایی چون: فرشته الهی، مأمور وحی، مجری دستورات خدا، هدایت‌کننده، تعلیم‌دهنده رسولان، روح خدا و خبردهنده از آینده دارد. (متی ۱: ۲۱-۱۸؛ لوقا ۲: ۲۶-۲۵؛ یوحنا ۱۴: ۱۸-۱۶، ۱۶؛ متی ۱۲: ۲۸؛ لوقا ۱۱: ۲۰)

بین «روح القدس» و جبرئیل در عهد جدید تمایزی آشکار وجود دارد (لوقا ۱: ۳۵-۲۶). او در تولد عیسی (متی ۱: ۲۰-۱۸؛ لوقا ۱: ۳۵) و زندگی اش نقش اساسی دارد و به وسیله روح القدس در

ابوالفتح عزیزی و همکاران ♦ ۶۱۵

رحم مریم (س) قرار گرفته است (لوقا ۱: ۳۵). او همچنین در انجام معجزات عیسی (متی ۱۲: ۲۸؛ لوقا ۱۱: ۲۰؛ اعمال رسولان ۳۸: ۱۰) و جلال عیسی نقش داشته است. (یوحنا ۱۶: ۷-۱۵)

روح القدس در اعمال رسولان و نامه اول قرن تیان، خود خداست (اعمال رسولان ۵: ۴-۳؛ اول قرن تیان ۲: ۱۱-۱۰). مطابق آیات دوم و سوم فصل اول کتاب پیدایش، روح خدا؛ یعنی روح القدس، به همراه خدای پدر و عیسی (ع)، در زمان پیدایش هستی حضور داشته‌اند و هر سه یک ذات‌اند. در اینجا روح القدس، مرادف جبرئیل یا فرشته‌ای از فرشتگان خدا و آفریده‌ای از آفریدگان او نیست، او در حقیقت خود خداست که در قلوب مردم و جهان زندگی می‌کند و به عمل اشتغال دارد. (میشل، ۱۳۸۱: ۷۴)

بر خلاف این بخش از کتاب مقدس، الوهیت روح القدس در اناجیل اربعه و انجیل یوحنا قابل اثبات نیست و متکلمان مسیحی درباره کارکرد این اقنوم اختلاف نظر داشته‌اند. اما در عین حال، مسیحیان روح القدس را سومین اقنوم ثلاثه الهیه می‌دانند. (هاکس، ۱۳۸۳: ۴۲۴)

هر چند در هیچ قسمت از اناجیل اربعه، روح القدس به عنوان خدا معرفی نشده است؛ اما تفاسیر متناقض نامه‌ها و اعمال رسولان، به عنوان بخشی از کتاب مقدس، زمینه را برای بروز اختلافات فراهم کرده‌اند. برخی از مسیحیان نیز منکر شخصیت الهی روح القدس بوده و او را فرشته می‌دانند (مک‌گراث، ۱۳۸۵: ۳۱۰-۳۰۹). برخی دیگر، روح القدس را موجود مستقل ندانسته، بلکه او را تجلی خدا می‌دانند و به الوهیت او معتقدند (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۲: ۱۲۷-۱۲۶؛ مک‌گراث، ۱۳۸۵: ۲۲). آنها بیان می‌دارند که خدا به صورت روح القدس باعث نجات و تقدیس مؤمنین می‌شود (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۲: ۱۲۷-۱۲۶؛ ویلکن، ۱۳۸۱، ج ۱۴: ۹۰). کلیسای شرق، صدور پسر و روح القدس را از پدر می‌دانست؛ اما او را صادر از پدر و پسر دانست (مک‌گراث، ۱۳۸۵: ۳۲۵-۳۲۴). امروزه عموماً مسیحیان روح القدس را با خدا متحد و در جلال و عظمت یکسان می‌دانند.

۴. مواجهه روایات اسلامی با تثلیث

بررسی روایات اسلامی نشان می‌دهد که مسئله رد تثلیث، از مهم‌ترین موضوعات مد نظر معصومین (ع) بوده است. مطابق روایات اسلامی، معصومین (ع) منبعی به نام «جفرالایض» در اختیار داشته‌اند که حاوی علوم انبیا، زبور داوود، تورات موسی (ع) و انجیل عیسی (ع) بوده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۴۰) و به مناسبت‌های مختلف، نکاتی از زندگانی عیسی (ع) و انجیل را بیان می‌داشتند. بررسی روایات عیسوی نشان می‌دهد که بر خلاف برخی از موضوعات حدیثی که به دلیل ضعف سند، تقیه یا جعل حدیث اختلافاتی در آنها دیده می‌شود، روایت

عیسوی به هیچ روی به وجود تثلیث در انجیل اشاره نکرده‌اند؛ بلکه به شیوه‌های مختلف آن را مردود شمرده و از آن انتقاد کرده‌اند. از جمله آنها:

ادله عقلانی: در این شیوه از طریق استدلال عقلانی، غیر منطقی بودن تثلیث را اثبات می‌دارند. برای نمونه، ماجرای مناظره امام رضا(ع) با جاثلیق است که بیان داشت: چون عیسی(ع) احیاگر مردگان و شفادهنده کوران و مبتلایان پیسی بود، معبود و شایسته پرستش و خود پروردگار است. امام(ع) در پاسخ به این شبهه فرمود: «یسع نیز بر آب راه می‌رفت و به مرده حیات می‌بخشید و نابینا و بیمار پیسی را شفا می‌داد؛ ولی امتش او را خدا ندانسته و کسی وی را پرستش نکرد و حزقیل پیامبر نیز مانند عیسی بن مریم سی و پنج هزار نفر را پس از گذشت شصت سال از مرگشان زنده کرد؛ [اما کسی او را خدا ندانست]». امام رضا(ع) پس از اشاره به معجزات مختلف پیامبر اسلام(ص) و زنده کردن مردگان قریش در قبرستان، زنده شدن هزار مرده در قبرستان توسط یکی از پیامبران بنی اسرائیل، احیای چهار پرنده توسط حضرت ابراهیم، و... فرمودند: «اگر هر کس که مرده زنده می‌کند و نابینایان و مبتلایان به پیسی و دیوانگان را شفا می‌دهد، خدا باشد؛ پس اینها را هم خدا بدان، حال، چه می‌گویی؟» جاثلیق گفت: بله، حرف، حرف شماسست، معبودی جز الله نیست. (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۲۰)

همچنین بخشی از مناظره پیامبر(ص) با مسیحیان درباره عدم اتحاد حادث و قدیم، ناظر به همین مسئله است که می‌فرمایند: «شما می‌گویید خداوند قدیم با پسرش حضرت مسیح متحد شده است. آیا منظور شما این است که خدا از قدیم بودن، تنزل یافته و یک موجود حادث شده و با موجود حادثی(عیسی) متحد شده یا به عکس؟ یا آنکه عیسی که موجودی حادث و محدود است، پیشرفت کرده و با پروردگار قدیم یکی شده است؟ آیا منظور شما از اتحاد، به سبب احترام و شرافت حضرت عیسی(ع) است؟ اگر سخن اول را بگویید، معنایش آن است که وجود قدیم به وجود حادث مبدل شده، که محال است؛ زیرا از نظر عقلی محال است که یک شیء ازلی و نامحدود، حادث و محدود شود. اگر سخن دوم را بگویید، آن نیز محال است؛ زیرا تبدیل شیء محدود و حادث به شیء نامحدود و ازلی از نظر عقلی محال است. اگر سخن سوم را بگویید، معنی سخن سوم این است که عیسی همچون سایر بندگان، حادث است؛ ولی بنده مورد احترام و ممتاز خداست. در این صورت نیز اتحاد و برابری خدای قدیم با عیسی قابل قبول نخواهد بود(حسن بن علی، ۱۴۰۹: ۵۳۲). بدیهی است این استدلال به صورت عقلی هم‌رتبه بودن و هم‌ذات بودن خدا با عیسی(ع) را کاملاً مردود می‌داند.

تبیین صفات الهی: در روایات معصومین از زبان عیسی (ع) صفاتی را مختص ذات یگانه خدا معرفی داشته‌اند که غیر خدا شایسته آنها نیست. احدیت، صمدیت، خالقیت، قدرت مطلق و بی‌انتهای مالکیت دنیا و آخرت، شایستگی پرستش، پابندگی و حیات بخشی مردگان، از جمله این صفات‌اند (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۲۴-۳۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲: ۱۵۴). این روایات با تبیین صفات ذاتی و افعالی خدا، یگانگی او را اثبات می‌کنند و الوهیت تمام مخلوقات را منتفی می‌دانند. تبیین این صفات از زبان عیسی (ع) دلیل تبیین دقیق توحید و نفی تثلیث در زمان عیسی (ع) است.

تبیین توحید: در روایات معصومین (ع) توحید مختص ذات خداست و یگانگی او بر انواع آموزه‌های اعتقادی، عبادی و اخلاقی مسیح (ع) سایه افکنده است. از عیسی (ع) نقل است که هرگونه شریک را از خداوند نفی کرده و می‌فرماید: «اللهم أنت إله من فی السماء و إله من فی الأرض لا إله فیهما غیرک و... أنت ملک من فی السماء و ملک من فی الأرض لا ملک فیهما» (تاریخ مدینه دمشق، ۴۷، ۳۷۷). این روایت به عنوان نمونه با تبیین یکتایی و بی‌همتایی خدا از زبان عیسی (ع) به مقابله با تثلیث برمی‌خیزد.

تبیین بشری بودن عیسی (ع): اناجیل اربعه از اطلاعات دوران ولادت و کودکی عیسی (ع) بی‌بهره یا بسیار کم‌بهره‌اند؛ به گونه‌ای که موجب اختلاف شده است؛ کلیسای اسکندریه و انطاکیه سالها بر سر این موضوع نزاع می‌کردند که چگونه شخصی که به صورت انسان بود و جسم هم داشت، خدا بود؟! همچنین مسیحیان مدتها با نسطوریوس، اسقف کلیسای قسطنطنیه در سال ۴۲۸ میلادی درباره الوهیت عیسی (ع) و تولد او از مادر، مجادله می‌کردند که اگر مسیح خداست، پس مریم هم مادر خداست. پس چگونه طبیعت الهی خدا با طبیعت بشری مادرش سازگار است؟ (بی.ناس، ۱۳۷۲: ۶۳۴). اما ۵۵ روایت فریقین به جزئیات تولد حضرت عیسی (ع) از مریم (س) و دوران کودکی او پرداخته (منتظرالقائم، ۱۳۸۴: ۳۰-۵) و ۲۲ روایت نیز احتیاجات بشری عیسی (ع) را بیان کرده‌اند. بیان جزئیات ولادت حضرت عیسی (ع) و نیازهای بشری او توسط روایات عیسوی، خط بطلانی بر الوهیت او و تثلیث در فرهنگ عیسوی دارد.

عبودیت عیسی (ع): عبودیت و اظهار عجز عیسی (ع) در برابر خالق هستی مثال‌زدنی است. عبودیت مسیح (ع) کاملاً در تضاد با آموزه تثلیث و الوهیت اوست. تعداد زیادی از روایات عیسوی درباره لزوم پرستش خدا و عبادت و بندگی و نماز و روزه است. ایشان در راز و نیاز با خدا می‌فرمود: «...هیچ ناداری، نادارتر از من نیست. چنانم مدار که دشمنانم شاد گردند و

۶۱۸ ♦ تطوّر آموزه تثلیث‌انگاری در مسیحیت و شیوه مقابله...

دوستانم ناشاد. مصیبت مرا در دینم قرار مده، و کسی را که به من رحم نمی‌کند، بر من مسلط مگردان». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۱۷؛ ابن حنبل، ۱۴۲۰: ۱۲۰؛ ابن ابی‌شیبّه، ۱۴۰۹، ج ۸: ۱۱۲)

اعتقاد به معاد: اعتقاد به قیامت با تثلیث و الوهیت بنده در تضاد است. عیسی (ع) به صراحت الوهیت بندگان را نفی کرده و بیان می‌دارد: «...بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: لَا يُؤْمِنُ اللَّهُ مِنْ فَرَعِ ذَلِكَ الْيَوْمَ مَنْ اتَّخَذَ الْعِبَادَ أَرْبَاباً مِنْ دُونِهِ» (حرانی، ۱۴۰۴: ۵۰۴). این روایت عیسوی و بسیاری از روایات دیگر، پذیرفتن هرگونه شریک برای خدا را رد و متضاد با معاد باوری دانسته شده است.

تصریح بر کفر آمیز بودن تثلیث: روایات معصومین (ع) به صراحت اعتقاد به تثلیث را مذمت کرده و شرک و کفر شمرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۵۲). حضرت عیسی (ع) بیان می‌دارد: «...كذبت النصارى على الله عز وجل فقالوا ثالث ثلاثة والله لم يتخذ صاحبه ولا ولدا...» (صدوق، ۱۳۹۸: ۳۳۹). امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «همانا عیسی بن مریم بنده مخلوق است که نصاری او را خدا گرفته‌اند». (قمی، ۱۴۰۴: ۱۶۴)

بنابر آنچه از روایات اسلامی بیان شد، عقیده تثلیث با آموزه‌های عیسی (ع) ناسازگار بوده و بدیهی است این موارد، قرینه‌ای بر ناروا بودن این نسبت به انجیل و آموزه‌های عیسی (ع) است.

یک) مواجهه روایات اسلامی با اقنوم پسر خدا

تعبیر پسر خدا در اناجیل که در دو مفهوم اضافه تشریفی عیسی (ع)، یا فرزند و هم‌ذات و هم‌مرتب دانستن عیسی (ع) با خدا بیان شده است؛ در روایات اسلامی نه به صورت تشریفی و نه غیر تشریفی مورد تأیید نیست؛ زیرا از نظر مفهومی یا لفظی، آن را مردود و کفر دانسته‌اند. روش روایات اسلامی در مقابله با این اقنوم عبارتند از:

سخن بی‌واسطه خدا با عیسی (ع): دسته‌ای از روایات عیسوی که نمونه آن در اناجیل و سنت مسیحی یافت نمی‌شود، سخن بی‌واسطه خدا با عیسی (ع) و حدیث قدسی به شمار می‌روند. در این روایات، خداوند عیسی (ع) را بنده خویش خطاب قرار داده و درباره وحدانیت خود می‌فرماید: «ای عیسی! من خداوندگار تو و خداوندگار پدران توأم. نامم یکی است. من یکتایم و هر چیزی را خود، تنها آفریده‌ام و هر چیزی ساخت من است و همه به سوی من بازمی‌گردند. تو به اجازه من از گل، پرنده می‌آفرینی. تو با سخن من، مردگان را زنده می‌کنی. پس فقط به من امید داشته باش و فقط از من بترس؛ که تو هرگز از من پناهی جز به خودم نمی‌یابی» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۳۱؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۴). در این گونه روایات، عیسی (ع)

تنها بنده مخلوق خداست که به اطاعت و فرمانبرداری از خدا دعوت شده است. خدا، یگانه خالق است و معجزات عیسی (ع) که به اعتقاد مسیحیان نشانه الوهیت اوست، موهبتی الهی از جانب خداست.

نفی شریک و فرزند برای خدا از زبان عیسی (ع): عیسی (ع) در برخی از روایات، هرگونه شریک برای خدا را نفی کرده و تصریح می‌کند که خداوند فرزندی ندارد: «گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست! یگانه است و بی‌شریک. یکتاست و بی‌نیاز. نه همسری گرفته و نه فرزندی دارد» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۳۲؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۲: ۸۵). روایات مذکور، خداوند را بی‌نیاز از شریک و فرزند معرفی می‌کند.

استفاده از برهان عقلی: دسته دیگری از روایات معصومین (ع) با استفاده از استدلال و برهان عقلی، فرزند بودن عیسی (ع) را برای خدا مردود می‌دانند. نمونه آن، مناظره پیامبر اکرم (ص) با مسیحیان است که در این مناظره، آنها معجزات و ولادت غیر عادی عیسی (ع) را سبب شرافت او و پسر خدا بودن می‌دانند. پیامبر اکرم (ص) در رد این ادعا می‌فرماید: «اگر بنا باشد خدا عیسی را به خاطر امتیازش پسر خود بداند، کسانی را که مقام بالاتر از عیسی دارند یا در ردیف عیسی هستند باید پدر یا استاد یا عموی خود بداند». پیامبر اکرم (ص) در پاسخ به فردی که به این سخن عیسی (ع) در انجیل که «من به سوی پدر خود و پدر شما می‌روم» استناد کرده و عیسی (ع) را پسر خدا می‌دانست، می‌فرماید: «چرا شما واژه پدر و پسر را که در سخن عیسی (ع) آمده بر غیر معنی معمول آن حمل می‌کنید! شاید منظور عیسی (ع) که می‌گوید: من به سوی پدر خود و پدر شما می‌روم، همان معنی معمولی‌اش باشد؛ یعنی من به سوی حضرت آدم و نوح که پدر همه است می‌روم» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۹-۲۵). امام رضا (ع) نیز در مناظره با جاثلیق، عبودیت عیسی (ع) و تقرب به خدا به وسیله نماز و روزه را دلیل بندگی عیسی (ع) معرفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۲۰). بنا بر این، روایات هم تعبیر پسر خدا را برای عیسی (ع) و هر شخص دیگری مردود می‌شمارند.

اظهار عبودیت: عیسی (ع) در مناجات خود، عبودیت و بندگی در مقابل خداوند خاضعانه بیان می‌دارد: «اللهم خالق النفس من النفس و مخرج النفس من النفس و مخلص النفس من النفس فرج عنا و خلصنا من شدتنا» (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۳۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۶). همچنین مسیح (ع) اراده خویش را از خدا مستقل ندانسته و عاجزانه بیان می‌دارد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْحَبْتُ لَا أَسْتَطِيعُ رَفَعَ مَا أَكْرَهُ، وَلَا أَمْلِكُ نَفْعَ مَا أَرْجُو، وَأَصْبَحَ الْأَمْرُ بِيَدِ غَيْرِي، وَأَصْبَحْتُ مُرْتَهِنًا بِعَمَلِي، فَلَا

۶۲۰ ♦ تطوّر آموزه تثلیث‌انگاری در مسیحیت و شیوه مقابله...

فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي، لَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي، وَلَا تُسَيِّءْ بِي صَدِيقِي، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي» (ابن حنبل، ۱۴۲۰: ۱۲۰؛ انصاریان، ۱۴۰۰: ۱۶۸)

وعده عذاب الهی: برخی از روایات، اعتقاد به پسر خدا بودن مسیح را به شدت مذمت کرده و پرستش مسیح (ع) و پسر خدا را کفر و گمراهی، نتیجه آن را غضب الهی و دوزخ می‌دانند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۸۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۸). بر اساس روایت مذکور، در روز قیامت به نصاری گفته می‌شود: چه چیزی را عبادت می‌کردید؟ می‌گویند: «ما مسیح پسر الله را عبادت می‌کردیم. گفته می‌شود: دروغ گفتید. هیچ‌گاه الله دارای همسر و فرزند نبوده است» (عباشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۸۶؛ بخاری، ۱۴۲۲، ج ۹: ۱۲۳؛ انصاریان، ۱۴۰۰: ۲۹۴). همچنین پیامبر (ص) می‌فرماید: «خداوند - عز و جل - بر یهود به شدت خشم گرفت، چون گفتند: عزیز پسر خداست و بر نصاری به شدت خشم گرفت، چون گفتند: مسیح پسر خداست» (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۴۲)

بنا بر آنچه از روایات اسلامی بیان شد، آنها تعبیر پسر خدا را که مسیحیان برای عیسی (ع) به کار برده‌اند، تخطئه کرده و به صراحت، کفر و شرک دانسته‌اند و استفاده از این تعبیر، نه به لحاظ لفظی، نه به لحاظ مفهومی و نه به صورت اضافه تشریفی، مورد تأیید سنت اسلامی و روایات نیست و هیچ شخصی نمی‌تواند مصداق این کلام باشد.

دو) مواجهه روایات اسلامی با اقنوم روح القدس

اناجیل اربعه و روایات، اشتراکات فراوانی درباره روح القدس دارند که از جمله آنها می‌توان به نقش آفرینی در تولد، زندگی و معجزات حضرت عیسی (ع) (متی ۱: ۲۳-۱۸)، حیات بخشی و تولد دوباره معنوی به وسیله روح القدس (یوحنا ۳: ۸-۳)، تمایز آشکار بین «روح القدس» و جبرئیل (لوقا ۱: ۳۵-۲۶)، نشانه و سمبل مشترک کبوتر (متی ۳: ۱۷-۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۱۴-۱۱)، ایمنی انسان از گناه (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۵۴) اشاره کرد. اما روایات اسلامی، اطلاعات جزئی‌تری از روح القدس ارائه می‌دهند که خصوصیات او را مشخص کرده و به وضوح نسبت الوهیت را از او رفع می‌دارد. مطابق روایات، مسیح (ع) با کلام و دستور خدا متولد شد؛ فرشته خدا، جبرئیل امین، حامل این فرمان الهی بر مریم (س) بود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۳۷) و عیسی (ع) به وسیله روح القدس تأیید شده است.

مطابق روایات اسلامی، روح القدس برترین فرشته الهی؛ یعنی جبرئیل است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۵۶؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۹۰). برخی دیگر نیز روح القدس را جدا از جبرئیل دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۶۲۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۲۱). برخی از احادیث او را همراه پیامبر (ص) و القاکننده معانی به ایشان و تأیید و تصدیق کننده اش می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۲). در روایتی

از امام صادق(ع) آمده است: «روح آفریده‌ای از آفریده‌هایش است که چشم و نیرو و تأیید دارد؛ خدا آن را در قلب رسولان و مؤمنین قرار می‌دهد» (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱: ۴۶۳). حضرت جبرئیل امین، از جانب خداوند روح‌الامین و روح‌القدس نامیده شده است (شعرا: ۱۹۳؛ اسراء: ۸۵). بنابر روایات، فرشته جبرئیل و عیسی پیامبر در عین حال روح‌القدس و روح‌الامین هستند و مسیح(ع) در بین انسانها چنان از روح‌القدس سرشار شده که روح‌الله نامیده می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۶۰)

بنابر آنچه گفته شد، روح‌القدس امری قدیم نیست که وجود ازلی داشته و خدا باشد، بلکه مخلوقی از مخلوقات خداست. همچنین فرشته نیست که ماهیت فردی داشته باشد، بلکه نیرویی الهی است که به خواست خدا ایجاد شده و در فرشتگان یا معصومین(ع) متجلی می‌شود. او در پی مأموریت‌های خاص الهی است و در وجود انسان و فرشته تجلی می‌یابد. جبرئیل امین با تجلی این نیروی الهی بر حضرت مریم(س) وارد شده و عیسی(ع) متولد می‌شود و در انجام رسالت‌های الهی یاریگر ایشان است.

ج) نتایج

آموزه تثلیث در اناجیل اربعه از بنیان مستحکمی برخوردار نیست و وجود این آموزه در اناجیل از نظر لفظی و مفهومی قابل اثبات نیست. روایات اسلامی هم این مسئله را تأیید نمی‌کنند. نتایج این تحقیق عبارتند از:

۱. در اناجیل اربعه هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای اثبات این عقیده در معارف عیسی(ع) وجود ندارد. تنها انجیل یوحنا، الوهیت عیسی(ع) و نه تثلیث را ترویج می‌کند. عدم وجود ادله معتبر و متقن در متون اناجیل اربعه بر اثبات تثلیث، موجب تزلزل بنیانهای این آموزه و تشکیک آرای مسیحیان در این مسئله شده است.

۲. روایات اسلامی، آموزه تثلیث و الوهیت عیسی(ع) را رد کرده و با دو شیوه به مقابله با این اتهام در اناجیل کوشیده‌اند. ایشان با حضور در میان مسلمانان و مسیحیان، توحید را تبیین و خلأهای اطلاعاتی موجود درباره اناجیل اربعه را پر کرده‌اند. در این شیوه، روایات اسلامی توحید و یگانگی خدا را با استناد به سخنان عیسی(ع) بیان کرده‌اند.

۳. معصومین(ع) در روش دیگر، با استدلال و برهان، اعتقاد به شریک برای خدا را با اعتقاد به معاد در تعارض دانسته و با بیان روایات فراوان، طبیعت انسانی و بشری عیسی(ع) را آشکارتر ساخته و خلأهای اناجیل اربعه را در این زمینه پر کرده و تثلیث و اولوهیت را مردود شمرده و این اعتقاد را کذب و کفر و شرک دانسته‌اند.

۶۲۲ ♦ تطوّر آموزه تثلیث‌انگاری در مسیحیت و شیوهٔ مقابله...

۴. مسئلهٔ بطلان عقیدهٔ تثلیث و الوهیت اقنوم‌های سه‌گانه (پدر، پسر، روح القدس)، با وجود پراکندگی زمانی و گستردگی منابع راوی و راویان متعدد، هیچ‌گونه اختلافی در روایات اسلامی ندارد.



منابع

- قرآن کریم.
- کتاب مقدس.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۵۴). **راههای نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان تازی**. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ ق.). **التوحید**. قم: جامعه مدرسین.
- ابن حنبل الشیبانی، احمد بن محمد (۱۴۲۰ ق.). **الزهد**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ ق.). **إقبال الأعمال**. تهران: الاسلامیه، چ دوم.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ ق.). **مهج الدعوات و منهج العبادات**. قم: دارالعلم.
- اسدی، علی (۱۳۸۹). «**خدای سه گانه؛ سیر پیدایش و تحول عقیده تثلیث و نگرش انتقادی قرآن کریم به آن**». معرفت/ادیان، سال اول، ش ۴.
- اصغری، محمدجواد (۱۳۸۹). «**تثلیث**». کلام/اسلامی، ش ۷۴.
- انصاریان، حسین (۱۴۰۰ ق.). **شرح مصباح الشریعه**. بیروت: اعلمی.
- ایلخانی، محمد (۱۳۷۴). «**تثلیث از آغاز تا شورای قسطنطنیه**». معارف، ش ۳۶.
- بوکای، موریس (۱۳۹۳). **مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم**. ترجمه ذبیح‌الله دبیر. قم: دفتر نشر فرهنگ معارف اسلامی.
- بی‌ناس، جان (۱۳۷۲). **تاریخ جامع ادیان**. ترجمه علی‌اصغر حکمت. تهران: علمی و فرهنگی.
- پویا، اعظم (۱۳۸۵). **مواجهه قرآن با فرهنگ مسیحیت**. تهران: هستی‌نما.
- جنیبر، شارل (بی‌تا). **المسیحیه نشأتها و تطورها**. ترجمه عبدالحلیم. بی‌جا: المكتبة العصریه.
- حسن بن علی (ع)، امام یازدهم (۱۴۰۹ ق.). **التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (ع)**. قم: مدرسه الامام مهدی (عج).
- حسن مجتبی، حسین (۱۳۹۳). «**بررسی تطوّر تثلیث در ادیان و ورود آن در مسیحیت**». کلام/اسلامی، ش ۵.
- رابرتسون، آرچیبالد (۱۳۷۸). **عیسی؛ اسطوره یا تاریخ**. ترجمه حسین توفیقی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق.). **المفردات فی غریب القرآن**. بیروت: دارالعلم.
- رسول‌زاده، عباس و جواد باغبانی (۱۳۹۱). **شناخت مسیحیت**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۶۲۴ ♦ تطوّر آموزه تثلیث‌انگاری در مسیحیت و شیوه مقابله...

- سامی شحاته، سمیر (۱۳۹۴). ناسازگاری‌های درونی کتاب مقدس. ترجمه سید مرتضی عادل. قم: بوستان کتاب.
- سلیمانی، اسماعیل (۱۳۹۰). «تثلیث مسیحی در نگاه عارفان مسلمان». فلسفه دین، دوره هشتم، ش ۹.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۸۲). درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت. قم: کتاب طه.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص). قم: دارالعلم.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ ق). تهذیب الأحکام. تهران: علمی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ ق). مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، بیروت: مکتبه العلمی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق). الأملی. قم: موسسه البعثه.
- ظهوری فر، محمد (۱۳۸۵). «نگاهی به تثلیث در آیین مسیحیت». پژوهشهای اعتقادی کلامی، ش ۲.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. تهران: دارالعلمی.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ ق). تفسیر الصافی. تهران: صدر.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاشانی، محمد (۱۳۹۲). تثلیث در قرآن و عهدین. تهران: دلیل ما.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار. بیروت: داراحیاء التراث.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۲). حکمت نامه عیسی بن مریم (ع). قم: دارالحديث.
- مک گرath، آلیستر (۱۳۸۵). درآمدی بر الاهیات مسیحی. ترجمه عیسی دیباج. تهران: کتاب روشن.
- منتظرالقائم، مهدی (۱۳۸۴). الاحادیث المشترکه حول المسيح بین السنه و الشیعه. تهران: المجمع العالمی للتقريب بین المذاهب الاسلامیه.
- موحیدیان عطار، علی و همکاران (۱۳۹۳). گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- میشل، مایکل توماس (۱۳۸۱). کلام مسیحی. ترجمه حسین توفیقی. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- هاکس، مستر (۱۳۸۳). قاموس کتاب مقدس. تهران: اساطیر.

- هوردن، ویلیام (۱۳۶۸). **راهنمای الهیات پروتستان**. ترجمه طاموس میکائیلیان. تهران: علمی و فرهنگی.
- ویلکن، رابرت (۱۳۸۱). «**خدای سه‌گانه در کتاب مقدس**». ترجمه الیاس عارف‌زاده. هفت آسمان، سال چهارم، ش ۱۴.
- یارمحمدی، مهدی (۱۳۹۷). «**واکاوی حقیقت روح در روایات اسلامی**». معرفت، ش ۲۴۸.
 - **The Holy Quran.**
 - **Holy book.**
 - Ansarian, Hussein (1400 AH). **Sharh Mesbah al-Sharia**. Beirut: Alami.
 - Asadi, Ali (2010). “**The Triple God; The Origin and Evolution of the Trinity Belief and the Critical Attitude of the Holy Quran towards It**”. *Knowledge of Religions*, First Year, Fourth Issue.
 - Asghari, Mohammad Javad (2010). “**Trinity**”. *Journal of Islamic Theology*, No. 74.
 - Ayashi, Mohammad Ibn Massoud (2001). **Tafsir Al-Ayashi**. Tehran: Dar Al-Alami.
 - Azartash Azarnoush (1975). **Ways of Persian Influence in Tazi Culture and Language**. Tehran: University of Tehran Press.
 - B. Nas, Jan (1993). **Comprehensive History of Religions**. Translated by Ali Asghar Hekmat. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
 - Bukay, Morris (2014). **A Comparison between the Torah, the Bible, the Qur'an and Science**. Translated by Zabihullah Dabir. Qom: Islamic Education Culture Publishing Office.
 - Clini, Muhammad ibn Ya`qub (1407 AH). **Al-Kafi**. Tehran: Islamic Library.
 - Feyz Kashani, Mullah Mohsen (1415 AH). **Tafsir al-Safi**. Tehran: Sadr.
 - Hassan Ibn Ali, the eleventh Imam (1409 AH). **The commentary attributed to Imam Al-Hassan Al-Askari (AS)**. Qom: Imam Mahdi (AS) School.
 - Hassan Mojtaba, Hossein (2014). “**Study of the evolution of the Trinity in religions and its entry into Christianity**”. *Islamic Theology*, No. 5.
 - Hawks, Master (2004). **Bible Dictionary**. Tehran: Myths.
 - Hordern, William (1989). **Guide to Protestant Theology**. Translated by Taus Mikaelian. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
 - Ibn Babawiyah, Muhammad ibn Ali (1398 AH). **Al-Tawhid**. Qom: Society of Teachers, first edition.
 - Ibn Hanbal al-Sheibani, Ahmad ibn Muhammad (1420 AH). **Al-Zahd**. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
 - Ibn Tawus, Ali ibn Musa (1409 AH). **Iqbal al-A'mal**. Tehran: Al-Islamiyah, second edition.
 - Ibn Tawus, Ali ibn Musa (1411 AH). **Mahj al-Dawaat wa Manhaj al-Ibadat**. Qom: Dar al-Alam.

- Ilkhani, Mohammad (1995). "Trinity from the beginning to the Council of Constantinople". *Journal of Education*, Vol. 36.
- Janibir, Charles (unpublished). **The Christian Origins and Evolutions**. Translated by Abdul Halim. Bija: Al-Muktabah al-Asriya.
- Kashani, Mohammad (2013). **The Trinity in the Qur'an and the Testaments**. Tehran: Our Reason.
- Majlisi, Muhammad Baqir (1403 AH). **Behar al-Anwar**. Beirut: Darahiyah al-Tarath.
- McGrath, Alistair (2006). **An Introduction to Christian Theology**. Translated by Isa Dibaj. Tehran: Roshan Book.
- Michelle, Michael Thomas (2002). **Christian Theology**. Translated by Hossein Tawfiqi. Qom: Center for the Study and Research of Religions and Religions.
- Mohammadi Ray Shahri, Mohammad (2013). **Wisdom Letter of Isa Ibn Maryam (AS)**. Qom: Dar al-Hadith Institute.
- Montazer al-Qaim, Mahdi (2005). **The common hadiths about Christ between the Sunnis and the Shiites**. Tehran: The World Assembly for the approximation between the Islamic religions.
- Movahedian Attar, Ali et al. (2014). **Typology of the Thought of the Promised Savior in Religions**. Qom: University of Religions and Religions Publications.
- Pouya, Azam (2006). **The Qur'an's encounter with Christian culture**. Tehran: Hastinama.
- Qomi, Ali ibn Ibrahim (1404 AH). **Tafsir al-Qomi**. Qom: Dar al-Kitab.
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1412 AH). **Vocabulary in the Strange Qur'an**. Beirut: Dar Al-Alam.
- Rasoulzadeh, Abbas & Javad Baghbani (2012). **Recognition of Christianity**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
- Robertson, Archibald (1999). **Jesus Myth or History**. Translated by Hossein Tawfiqi. Qom: University of Religions and Religions Publications.
- Saffar, Muhammad ibn Hassan (1404 AH). **Basair al-Darjat in the virtues of Muhammad (PBUH)**, Qom: Dar al-Alam.
- Sami Shehata, Samir (2015). **Internal Inconsistencies of the Bible**. Translated by Seyyed Morteza Adeli. Qom: Book Garden.
- Soleimani, Ismail (2011). "The Christian Trinity in the View of Muslim Mystics". *Philosophy of Religion*, Vol. 8, No. 9.
- Soleimani Ardestani, Abdolrahim (2003). **An Introduction to the Comparative Theology of Islam and Christianity**. Qom: Taha Book.
- Tusi, Muhammad ibn al-Hassan (1407 AH). **Tahdhib al-Ahkam**. Tehran: Scientific.
- Tusi, Muhammad ibn al-Hassan (1411 AH). **The lamp of the pious and the weapon of the worshiper**. Beirut: Scientific Library.

- Tusi, Muhammad ibn al-Hassan (1414 AH). **Al-Amali**. Qom: Al-Ba'ath Institute.
- Wilken, Robert (2002). “**The Three Gods in the Bible**”. Translated by Elias Arefzadeh. *Haft Aseman Magazine*, Year 4, No. 14.
- Yar Mohammadi, Mehdi (2018). “**Analysis of the truth of the soul in Islamic traditions**”. *Journal of Knowledge*, No. 248.
- Zohourifar, Mohammad (2006). “**A Look at the Trinity in Christianity**”. *Journal of Theological Research*, No. 2.

